

تحلیل روش استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری در پذیرش ایراد مقدماتی دوم آمریکا در قضیه «برخی از اموال ایران»

(مقاله علمی-پژوهشی)

محسن عبدالهی*

نرگس انصاری**

تاریخ پذیرش: ۴۰۰/۰۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۳۰

چکیده

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه برخی از اموال ایران (ایران علیه آمریکا)، با پنج ایراد مقدماتی از سوی خواننده مواجه شد. ایراد دوم صلاحیتی آمریکا متمرکز بر رد صلاحیت دیوان در مورد آن دسته از ادعاهای ایران بود که بر پایه استناد به نقض قاعده مصونیت دولت‌ها به عنوان یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی استوار شده بود. ایران با تکیه بر تصریح ماده (۲) ۴ عهدنامه مودت به رعایت «حقوق بین‌الملل» و همچنین حقوق ماهوی مذکور در مواد (۱) ۱۰ و (۴) ۱۱، صلاحیت دیوان را بر اساس قاعده مصونیت دولت‌ها مسلم می‌دانست. در مقابل، دیوان با اتکا به تفسیر مواد مذکور در قالب موضوع و هدف عهدنامه و همچنین استدلالات خود در آرای «مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری» و «سکوهای نفتی»، رأی به عدم صلاحیت خود برای رسیدگی به ادعاهای مرتبط با قاعده مصونیت دولت‌ها می‌دهد. تحلیل استدلال دیوان و مذاقه در آن که بر پایه تمثیل منطقی (قیاس حقوقی) شکل گرفته است و سنجش آن با آرای قضات مخالف نشان می‌دهد که برخلاف نظر دیوان، می‌توان به یک رابطه منطقی میان موضوع و هدف عهدنامه با مواد استنادی ایران دست یافت و بر این اساس، ایراد دوم صلاحیتی آمریکا را وارد ندانست.

کلیدواژه‌گان:

تمثیل منطقی، دولت، رأی «برخی از اموال ایران»، عهدنامه مودت، قاعده مصونیت قیاس.

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

Abdollahi75@hotmail.com

** دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

nargesansari@ymail.com

مقدمه

ایالات متحده آمریکا و ایران در سال ۱۹۵۵ به منظور تشویق فعالیت‌های اقتصادی و تنظیم روابط کنسولی میان طرفین، عهدنامه مودت روابط اقتصادی و حقوق کنسولی^۱ را امضا نمودند. آمریکا سه سال پیش از امضای معاهده مودت در نامه معروف به نامه تیت^۲ اعلام کرده بود: «با توجه به رویه گسترده و رو به افزایش دولت‌هایی که فعالیت تجاری انجام می‌دهند ضروری است اشخاصی که با دولت‌ها تجارت می‌کنند بتوانند از حقوق مسلم خود در دادگاه‌ها برخوردار شوند»^۳. با این حال، مستثنا کردن فعالیت تجاری نهادهای دولتی از شمول قاعده مصونیت دولت، تنها نقطه شروعی بر اضافه نمودن استثنائات دیگر بر این قاعده بود. از جمله این موارد، تصویب قانون مصونیت دولت خارجی^۴ در سال ۱۹۷۶ توسط کنگره آمریکا بود. به طور خلاصه، این قانون محدودیت‌هایی را در مورد طرح دعوا و اجرای رأی علیه کشور دیگر، سازمان‌ها و مجموعه‌های سیاسی مرتبط با آن دولت، در دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا، فدرال یا محاکم ایالتی وضع کرده است. در سال ۱۹۹۶، این قانون با اصلاحاتی از جمله اضافه نمودن استثنای تروریسم بر مصونیت دولت خارجی همراه شد.

با شناسایی ایران به عنوان دولت حامی تروریسم، دعاوی قابل توجهی از سوی اتباع آمریکایی علیه دولت ایران در محاکم آن کشور مطرح شد که در اکثر موارد با پیروزی خواهان به پایان رسید و برای اجرای رأی، اموال بانک مرکزی ایران مورد توجه قرار گرفت که با اعتراض بانک مرکزی و شکایت این نهاد روبرو شد؛ ولی این اعتراض بی‌نتیجه ماند. در نهایت، دولت ایران در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶، در مورد اختلاف پیرامون تخلف ایالات متحده آمریکا از عهدنامه مودت، دعوی را در دیوان ثبت نمود.

موضوع دعوا عبارت است از اتخاذ یک سری اقدامات از سوی آمریکا، در تخطی از عهدنامه مودت که تأثیر منفی جدی بر توانایی ایران و شرکت‌های ایرانی (از جمله شرکت‌های دولتی

1. the Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights.

2. Tate Letter

۳. کرمزاده، سیامک، صدور و اجرای آرای دادگاه‌های آمریکا علیه اموال بانک مرکزی ایران از منظر

حقوق بین‌الملل و حقوق آمریکا، مطالعات حقوق تطبیقی، بهار و تابستان ۱۳۹۷، دوره ۹، شماره ۱، ص ۳۵۶.

4. Foreign Sovereign Immunities Act.

ایرانی) در اعمال حشمان برای کنترل و بهره‌مندی از اموالشان، از جمله اموال واقع در خارج از سرزمین ایران/ داخل سرزمین آمریکا داشته است یا همچنان دارد.^۱

ایالات متحده در تاریخ ۱ مه ۲۰۱۷، ایرادات مقدماتی در مورد قابلیت استماع دعوا و نیز ایراد عدم صلاحیت دیوان را مطرح کرد و دیوان در رأی مورخ ۱۳ فوریه ۲۰۱۹ خود با رد چهار ایراد از پنج ایراد مطروحه، صلاحیت خود را برای ورود به ماهیت دعوا احراز کرد. گرچه احراز صلاحیت دیوان موفقیت قابل توجهی برای ایران محسوب می‌شود، پذیرش ایراد صلاحیتی دوم آمریکا که متمرکز بر رد صلاحیت دیوان بر اساس قاعده حقوق بین‌الملل عرفی «مصونیت دولت» بود، وضعیت دعوا را به سوی تعادل پیش برد. دیوان در رأی خود نتوانست از استدلال خواهان به این نتیجه برسد که میان موضوع و هدف و همچنین سیاق کلی عبارات عهدنامه از یک سو و ادعای ایران مبنی بر لزوم توسل به قاعده مصونیت دولت به عنوان یکی از «قواعد حقوق بین‌الملل» (مورد اشاره در بند دو ماده ۴ عهدنامه) از سوی دیگر، رابطه منطقی وجود دارد؛ لذا مسائل مربوط به قاعده عرفی مصونیت دولت را خارج از مفاد و بستر عهدنامه و همچنین صلاحیت خود تشخیص داد.

دیوان برای رسیدن به نتیجه فوق، از یافته‌های خود در آرای دیگر نیز بهره جست؛ از جمله با توسل به قیاس حقوقی از شباهت ملاک حکم قضیه «مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری» برای دعوی برخی از اموال ایران، استفاده کرد و در مورد دیگر با استناد به رأی سکوه‌های نفتی، محدوده تعریف «آزادی تجارت» را مشخص کرد.

تحلیل استدلال دیوان در پذیرش ایراد صلاحیتی دوم آمریکا و همچنین بررسی نظرات جداگانه قضاات مخالف، این سوالات را به ذهن متبادر می‌کند که آیا می‌توان با ترسیم یک قضیه منطقی و توسل به قیاس حقوقی، حکم واحدی میان دو قضیه «برخی از اموال ایران» و «مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری» یافت؟ آیا می‌توان بر خلاف نظر دیوان، با استناد به یافته‌های قضاات در قضیه «سکوه‌های نفتی» به حکم واحد در این دو قضیه رسید؟

در این نوشتار به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که قاعده مصونیت دولت در عهدنامه مودت قابل اعمال بوده و رابطه منطقی میان موضوع و هدف عهدنامه و قاعده مذکور برقرار است.

1. International Court of Justice (ICJ), Certain Iranian Assets (Iran v. United States), Application Instituting Proceedings, 14 June 2016.

۱. سابقه دعوا

قانون مصونیت دولت خارجی، تمام مواردی را که دولت خارجی از طرح دعوا نسبت به آن در محاکم آمریکا مصون است و همچنین موارد استثنا بر این مصونیت را پوشش می‌دهد.^۱ در این قانون، به جز چند مورد استثنا، اصل بر مصونیت دولت‌ها است.^۲

با این حال، پس از اصلاح این قانون در سال ۱۹۹۶، اتباع آمریکایی قربانی تروریسم می‌توانستند علیه کشورهای که آمریکا آنها را حامی تروریسم شناسایی کرده بود، اقامه دعوا نمایند. به عنوان مثال، در ماده یک کد ۱۶۰۵A، با عنوان استثنای تروریسم بر مصونیت قضایی دولت خارجی، آمده است در مواردی که دعاوی خسارات مالی علیه دولت خارجی برای صدمات شخصی یا مرگ ناشی از شکنجه، قتل فراقضایی، خرابکاری هواپیما، گروگانگیری یا تأمین یا حمایت مادی برای چنان اقداماتی باشد، دولت خارجی مصون از صلاحیت قضایی ایالات متحده یا ایالات نخواهد بود.^۳ در همان سال، کنگره قانونی را به تصویب رساند که به محاکم آمریکا اجازه می‌داد تا به نفع قربانیان تروریسم، حکم به پرداخت خسارات مالی داده شود. بدین ترتیب، ایران که پس از جریان اشغال سفارت آمریکا و همچنین انفجار مقر تفنگداران دریایی آمریکا در بیروت، در سال ۱۹۸۴ در فهرست کشورهای حامی تروریسم آمریکا قرار گرفته بود، با دعاوی متعددی از سوی قربانیان این حوادث روبرو شد.^۴

از میان حجم بالای دعاوی اشخاص آمریکایی علیه دولت ایران، دعاوی پترسون از اهمیت بالایی برخوردار است؛ چرا که سرآغاز تصویب قوانین سختگیرانه جدیدی علیه ایران شد و مباحث حقوقی پیرامون استقلال بانک مرکزی از دولت را مطرح کرد.

دبورا پترسون، خواهر یکی از قربانیان انفجار بیروت، به همراه بیش از هزار قربانی دیگر دعوایی را علیه ایران طرح کردند که در سال ۲۰۰۳ منتهی به صدور رأی به نفع خواهان شد و

1. Curran.V. "The Foreign Sovereign Immunities Act's Evolving Genocide Exception", *UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs*, 23, 2019: p 1.

2. U.S. Code § 1605. General exceptions to the jurisdictional immunity of a foreign state, available at: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/28/1605>, (last visited on 20/10/2019).

3. U.S. Code § 1605A. Terrorism exception to the jurisdictional immunity of a foreign state, available at: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/28/1605A>, (last visited on 20/10/2019).

4. "International Law - Foreign Sovereign Immunities Act - D.C. Circuit Holds That an International Agreement Bars Former Hostages' Suit against Iran, Despite Legislation Aimed at Aiding the Suit. - *Roeder v. Islamic Republic of Iran*, 333 F.3d 228 (D.C. Cir. 2003)." *Harvard Law Review*, 117, no. 2, 2003: p 743.

میزان خسارات در سال ۲۰۰۷ معادل مبلغی در حدود ۲,۶۵۶,۹۴۴,۸۷۷ دلار تعیین گردید.^۱ به هنگام اجرای این رأی، اموال متعلق به بانک مرکزی مورد توجه خواهان قرار گرفت. نکته‌ای که مانع اجرای رأی از طریق اموال بانک مرکزی ایران می‌شد، مسئله استقلال بانک مرکزی از دولت ایران و همچنین مصونیت این نهاد در برابر محاکم کشورهای دیگر بود. با این حال، در سال ۲۰۱۲ کنگره قانون کاهش تهدیدات ایران و حقوق بشر سوریه^۲ را به تصویب رساند و صراحتاً با اشاره به پرونده پترسون، امکان اجرای آرای غیابی از این دست را از اموال مسدودشده بانک مرکزی ایران فراهم کرد. همچنین با صدور دستور اجرایی ۱۳۵۹۹^۳ تمام دارایی‌های (اموال و منافع مالکیت) دولت ایران از جمله بانک مرکزی و مؤسسات مالی متعلق به ایران یا تحت کنترل آن را که داخل قلمرو آمریکا قرار داشت یا «در اختیار یا کنترل اتباع ایالات متحده، از جمله هر شعبه خارجی» بود، مسدود شد.

با اتکا به قوانین فوق، در سال ۲۰۱۳ دادگاه فدرال نیویورک به نفع قربانیان حادثه بمب‌گذاری بیروت رأی داد و با وجود اعتراض بانک مرکزی ایران، دادگاه تجدید نظر در سال ۲۰۱۴ رأی را تایید نمود. پس از این اقدام، بانک مرکزی با فرجام‌خواهی در دیوان عالی آمریکا، درخواست کرد تا مغایرت قانون مذکور با قانون اساسی اعلام شود؛ چرا که اصل تفکیک قوا این اجازه را به کنگره نمی‌دهد که با تصویب یک قانون مرتبط با پرونده‌های در جریان در دادگاه‌ها برای قوه قضائیه تعیین تکلیف نماید. با این حال دیوان عالی آمریکا در سال ۲۰۱۶ اجرای رأی از طریق اموال مسدود شده بانک مرکزی ایران را تأیید کرد. همین امر نقطه شروع شکایت ایران از آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری شد.

۱.۱. مبانی صلاحیت

دادخواست ایران مبتنی بر بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه مودت است که بیان نموده در صورت عدم فیصله اختلافات از طریق دیپلماسی، موضوع به به دیوان دادگستری بین‌المللی ارجاع خواهد شد. با عنایت به سابقه تاریخی منتهی به

1. Deborah Peterson, et al. v. Islamic Republic of Iran, etal. (Civil Action Nos. 01-2094 (RCL), 01-2684(RCL)) (Dist. Court, Dist. of Columbia 2007).

2. Iran Threat Reduction and Syria Human Rights Act.

3. Executive Order 13599. Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institutions, Executive Office of the President, Feb 5, 2012.

دعوا و و ارسال یادداشت دیپلماتیک (Note Verbale) توسط دولت ایران به دولت آمریکا و عدم دریافت پاسخ مقتضی، ایران اختلاف را به دیوان ارجاع داد.

۱.۲. ایرادات مقدماتی ایالات متحده آمریکا

آمریکا در لایحه ایرادات مقدماتی خود سه ایراد در مورد صلاحیت دیوان و دو ایراد به قابلیت استماع دعوا، مطرح کرد که در نهایت دیوان با رد چهار مورد از ایرادات مقدماتی آمریکا صلاحیت خود را برای ورود به ماهیت دعوا احراز کرد. با این حال، ایراد صلاحیتی دوم با اقبال مواجه شد و دیوان نتوانست به این اکتفا برسد که قاعده حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت دولت یکی از قواعد قابل اعمال طبق عهدنامه مودت است. دومین ایراد عبارت است از:

«ادعاهای ایران را تحت هر ماده از عهدنامه مودت که بر اساس آن ادعا شده که ایالات متحده از اعطای حق مصونیت دولت از صلاحیت و / یا مصونیت از اجرای رأی به دولت ایران، بانک مرکزی، یا نهادهای با مالکیت دولتی ایران قصور ورزیده است، رد کند.»

در قسمت دوم این نوشتار شیوه استدلال دیوان در پذیرش ایراد دوم آمریکا و سنجش آن با استدلال مخالفان مطالعه خواهد شد.

۲. ایراد صلاحیتی دوم آمریکا؛ تحلیل منطقی در رد یا پذیرش آن

ایران در دادخواست خود به مفاد مواد چهار (۲)، یازده (۴)، سه (۲)، چهار (۱) و ده (۱) به عنوان مستندات مربوط به حق مصونیت دولت ایران و نهادهای دولتی ایرانی طبق حقوق بین‌الملل و مبنایی برای اثبات صلاحیت دیوان برای توسل به حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت دولت‌ها، اشاره کرده است.

در بند ۲ ماده ۴ عهدنامه آمده است:

«اموال اتباع و شرکت‌های هر یک از طرفین معظمین متعاهدین از جمله منافع اموال از حد اعلائی حمایت و امنیت دائم به نحوی که در هیچ مورد کمتر از مقررات قانون بین‌المللی نباشد، در داخل قلمرو طرف متعاهد معظم دیگر برخوردار خواهد بود. این اموال جز به منظور نفع عامه آن هم بی آن که غرامت عادلانه آنها به اسرع اوقات پرداخت شود، گرفته نخواهد شد. غرامت مزبور باید به وجه مؤثری قابل تحقق باشد و به نحو کامل معادل مالی خواهد بود که گرفته شده

است و قبل از آن که گرفته یا در حین گرفتن مال قرار کافی جهت مبلغ غرامت و پرداخت آن داده خواهد شد.»

ایران با اشاره به «الزام حقوق بین‌الملل» مذکور در بند فوق و همچنین موضوع و هدف عهدنامه معتقد است که طرفین ملزم به رعایت قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مربوط به مصونیت دولت، به عنوان یکی از قواعد نظام حقوق بین‌الملل، نسبت به یکدیگر هستند، لذا دیوان نیز صلاحیت دارد تا در رأی خود به قواعد حقوق بین‌الملل عرفی به عنوان یکی از قوانین قابل اعمال مراجعه نماید.

در مقابل، آمریکا ضمن مخالفت با تفسیر ایران از عبارت فوق‌الذکر، بیان می‌کند که حقوق بین‌الملل مذکور در این ماده، حداقل استانداردهای رفتاری در برابر اموال بیگانگان در قلمرو دولت میزبان است و این همان مفهوم شناخته شده در حوزه حمایت از سرمایه‌گذاری است.^۱ به علاوه مصونیت بانک‌های مرکزی به عنوان یکی از انواع مصونیت، یک اصل حقوق بین‌الملل عرفی است و این در حالی است که در عهدنامه مودت اشاره‌ای به دایره وسیع حقوق عرفی نشده است.

دیوان پس از بررسی ادعاهای هر یک از طرفین با توسل به قیاس حقوقی (تمثیل منطقی)، یافته‌های خود را در موضوع مشابه در قضیه «مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری»^۲ به وضعیت موجود در قضیه ایران و آمریکا تسری داد و اعلام کرد: «تفسیر پیشنهادی ایران از عبارت «حقوق بین‌الملل» مذکور در بند ۲ ماده ۴ با هدف و موضوع عهدنامه مودت سازگار نیست. آنچنان که در مقدمه عهدنامه آمده است: طرفین قصد دارند تا «بازرگانی و به کار انداختن سرمایه و روابط نزدیک‌تر اقتصادی را به طور کلی بین مردم این دو کشور و به نفع طرفین تشویق نمایند و مناسبات کنسولی را تحت نظم و قاعده درآورند». به علاوه عنوان عهدنامه نشان نمی‌دهد که مصونیت‌های حاکمیتی، داخل در هدف و موضوع آن قرار گیرد. لذا بند ۲ ماده ۴ نمی‌تواند شامل مصونیت‌های مذکور باشد.» سپس دیوان ضمن ارجاع طرفین به یافته‌های خود در پاراگراف ۹۵ رأی «مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری»، می‌افزاید: «منظور از «حقوق بین‌الملل» مورد سوال در این ماده آن استانداردهای حداقلی است که برای حمایت از اموال متعلق به «ملت» و «شرکت‌های»

1. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary objections, Summary of the Judgment, 13 February 2019:3.

2. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France).

یک طرف درگیر در فعالیتهای اقتصادی در سرزمین دولت دیگر تعبیه شده‌اند؛ در واقع آن حمایتی که نهادهای دولتی به خاطر اصل برابری حاکمیت دولت‌ها از آن بهره‌مند هستند، منظور این عهدنامه نیست.^۱ به علاوه، دیوان با استناد به سیاق کلی عبارات دیگر بندهای ماده ۴، به این نتیجه می‌رسد که هدف از نگارش این ماده، تضمین حقوق مشخص و حمایت حداقلی از نهادهای درگیر در فعالیتهای اقتصادی بوده است.^۲

اما آیا اساساً از مقایسه این دو پرونده به آنچنان شباهتی میان شرایط، اوضاع و احوال حاکم بر آنها می‌توان رسید تا حکم یکی را به دیگری تسری داد؟ برای روشن شدن مبحث و مذاقه در شباهت و تفاوت احتمالی میان استدلال دیوان در قضیه برخی از اموال ایران و قضیه مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری، شایسته است تا به استدلالات دیوان در قضیه اخیرالذکر اشاره شود.

گینه استوایی در دعوایی با فرانسه نزد دیوان ادعا کرد که فرانسه با تعقیب کیفری معاون وزارت دفاع آن کشور و توقیف و ضبط املاک متعلق به سفارتخانه آن دولت در شهر پاریس مقررات حقوق بین‌الملل راجع به مصونیت دیپلماتیک را نقض کرده است. گینه استوایی از دیوان تقاضا نمود تا اعلام نماید فرانسه مقررات حقوق بین‌الملل در خصوص مصونیت را نقض کرده است و باید از ادامه نقض مقررات حقوق بین‌الملل دست بردارد. خواهان برای اثبات صلاحیت دیوان به ماده ۳۵ کنوانسیون پالرمو و ماده یک پروتکل اختیاری کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درباره روابط دیپلماتیک اشاره کرد. دیوان پس از بررسی ادعاها و استدلالات هر یک از طرفین دعوا، صلاحیت خود را بر اساس سند اول تشخیص نداد و اعلام کرد که تنها صالح به رسیدگی به ادعاهای مرتبط با مبنای صلاحیتی پروتکل اختیاری است.

در خصوص کنوانسیون پالرمو، بحث اصلی تفسیر ماده ۴ این کنوانسیون (با عنوان حفظ حق حاکمیت) است. در این ماده آمده است:

«۱. کشورهای عضو، تعهدات خود طبق این کنوانسیون را به نحوی انجام خواهند داد که منطبق با اصول برابری حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها و عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها باشد.

1. Certain Iranian Assets, Preliminary objections, Judgment, 13 February 2019, para.57.

2. Ibid, para.58.

۲. هیچ یک از مقررات این کنوانسیون به کشورهای عضو اجازه نمی‌دهد قوانین داخلی و وظایف قانونی خود، که طبق قوانین داخلی کشور متبوع خود منحصرأً به مقامات آن کشور مربوط می‌شود را در قلمرو سایر کشورها اجرا نمایند.»

گینه استوایی این‌گونه استدلال می‌کرد که قواعد مربوط به مصونیت دولت و مقامات دولتی مشتق از اصول مذکور در ماده ۴ کنوانسیون پالرمو است و الزام رعایت آن اصول، به طور ضمنی پایبندی به تعهدات متعارف مشتق از آن اصول را طبق حقوق بین‌الملل برای اعضای کنوانسیون به همراه داشته است.^۱ در مقابل، فرانسه ضمن رد وجود رابطه میان قضیه متنازع‌فیه و کنوانسیون پالرمو، دیوان را به این نکته توجه داد که ماده ۴ به اصول مذکور به عنوان یک سری تعهدات مستقل نگاه نمی‌کند، بلکه تنها از دولت‌های عضو می‌خواهد تعهدات خود را با احترام به آن اصول انجام دهند. از سوی دیگر، موضوع و هدف کنوانسیون بر اساس ماده یک آن «توسعه همکاری برای جلوگیری و مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی به شکل مؤثر» است. فرانسه معتقد است موضوع و هدف کنوانسیون واضح است و در واقع به طور عام به دنبال تنظیم روابط میان دولت‌ها در پرتو اصول مذکور و از سوی دیگر در پی ایجاد سیستم مصونیت‌ها یا تأسیس یک وضعیت خاص برای اموال متعلق به دولت‌های عضو نبوده است. فرانسه بر خلاف گینه استوایی که معتقد بود لازمۀ اجرایی شدن ماده ۴، قرائت آن همراه با سایر مواد کنوانسیون است، معتقد بود که دیگر مواد کنوانسیون اشاره‌ای به مصونیت دولت‌ها نکرده و با عنایت به تعهدات مندرج در متن آن، نمی‌توان قواعد مصونیت را از مفاد آنها برداشت کرد.^۲

با توجه به ادعاهای گینه استوایی و فرانسه، یکی از موضوعات اساسی محل اختلاف طرفین دعوا این است که آیا می‌توان با ارجاع به اصول مورد اشاره در ماده ۴ کنوانسیون پالرمو، اصل برابری حاکمیت و اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت دیگر، قاعدۀ حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت دولت و مقامات دولتی را استنباط کرد و داخل در محدوده اجرایی کنوانسیون پالرمو دانست یا خیر؟

دیوان با اشاره به نظر خود در قضیه «مصونیت‌های قضایی دولت»، اختلاف میان آلمان و ایتالیا، بیان می‌کند قاعدۀ مصونیت دولت از اصل برابری حاکمیت دولت‌ها نشأت می‌گیرد. با این

1. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), Preliminary Objections, Summary of the Judgment, 6 June 2018, para.90.

2. *Ibid*, para 89 to 115.

حال، معنای متداول ماده ۴ بیانگر این واقعیت است که ماده مزبور قصد ندارد با ارجاع به اصل برابری حاکمیت، تعهد رعایت تعداد بسیاری از قواعد حقوق بین‌الملل در مورد حمایت از حاکمیت را بر عهده دولت‌های طرف کنوانسیون بار کند.^۱ به علاوه کنوانسیون و سیاق کلی عبارات نشان از آن دارد که هیچ یک از مواد دیگر کنوانسیون پارمو صریحاً به قاعده مصونیت دولت و مقامات دولتی اشاره نکرده است.^۲

سپس دیوان به بررسی ماده ۴ در چارچوب هدف و موضوع کنوانسیون پارمو می‌پردازد و نتیجه چیزی نیست جز تکرار دوباره این امر که قواعد حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت دولت و مقامات دولتی در محدوده ماده ۴ نمی‌گنجد. دیوان با مطالعه کارها و جلسات مقدماتی تهیه پیش‌نویس کنوانسیون پارمو متوجه می‌شود که در کارهای مقدماتی، تنها دو بار به بحث مصونیت دولت و گنجاندن آن در کنوانسیون اشاره شده که در نهایت با مخالفت مواجه شده است و در همان جلسات، طرفین به این جمع‌بندی می‌رسند که به هنگام تفسیر ماده ۱۲ کنوانسیون، قاعده مصونیت دولت مورد توجه قرار گیرد.^۳ آنچنان که مشخص است، دولت‌های عضو کنوانسیون تنها در یک مورد معین حاضر به پذیرش قاعده مصونیت دولت شده‌اند و در موارد دیگر اصل بر عدم رجوع به آن قاعده است.

یکی از نقاط ارتباط میان قضیه «مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری» و قضیه «برخی از اموال ایران»، برداشت ضمنی قاعده حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت دولت و زیرمجموعه‌های آن - مصونیت مقامات دولتی و اموال متعلق به دولت - توسط خواهان هر دو دعوا از طریق استنباط و استخراج آن مفهوم از متن معاهده‌ای می‌باشد که مبنای صلاحیت قرار گرفته است. در مبنای صلاحیتی مورد ادعای خواهان در پرونده نخست، مشخصاً به اصل برابری حاکمیت دولت‌ها اشاره شده و در مبنای صلاحیتی پرونده دوم، خواهان به عبارت کلی حقوق بین‌الملل در متن عهدنامه توسل جسته است. دیوان در هر دو رأی برای امکان‌سنجی برداشت آن مفاهیم ضمنی از عبارات کلی متون قراردادی از یک سو و یافتن ارتباط منطقی میان آن مفاهیم ضمنی و موضوع دعاوی از سوی دیگر، لاجرم دست به تفسیر آن عبارات در پرتو موضوع، هدف و سیاق کلی سایر مواد معاهده زده است.

1. *Ibid*, para.93.

2. *Ibid*, para.94.

3. See: *Ibid*, para 95-98

دیوان در قضیه مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری به این نتیجه می‌رسد که کنوانسیون پالمو تنها به دنبال تنظیم مسائل مربوط به جرایم اقتصادی فراملی و تقویت مؤثر تلاش دولت‌های عضو برای جلوگیری از وقوع آن جرایم است؛ در نتیجه، مصونیت دولت‌ها و مقامات دولتی مد نظر آن کنوانسیون نبوده و قابلیت برداشت ضمنی آن قاعده عرفی از اصل کلی برابری حاکمیت دولت‌ها در حوزه اجرایی این کنوانسیون ممکن نیست و اساساً توسل به چنین قاعده‌ای، لازمه اجرای دیگر مواد کنوانسیون نیست.

در خصوص قضیه برخی از اموال ایران، باید دید که آیا می‌توان مانند کنوانسیون پالمو از موضوع، هدف و دیگر مواد عهدنامه، استدلال کرد که قاعده مصونیت دولت‌ها خارج از موضوع عهدنامه است؟

موضوع و هدف عهدنامه مودت در مقدمه آن، اینچنین ذکر شده است: «طرفین قصد دارند تا بازرگانی و به کار انداختن سرمایه و روابط نزدیک‌تر اقتصادی را به طور کلی بین مردم این دو کشور و به نفع طرفین تشویق نمایند و مناسبات کنسولی را تحت نظم و قاعده درآورند.» دیوان در قضیه سکوه‌های نفتی میان ایران و آمریکا، در رأی خود در مورد ایرادات مقدماتی مطروحه از سوی آمریکا اعلام می‌کند که بر اساس آنچه که در مقدمه آمده است، هدف عهدنامه تنظیم روابط دوستانه میان طرفین در معنای کلی آن نیست، بلکه حدود و حوزه این روابط دوستانه مشخص شده و آن روابط بازرگانی، اقتصادی و مناسبات کنسولی طرفین است. در همین راستا دیوان در آن رأی اعلام می‌کند که نمی‌توان ماده یک عهدنامه را به طریقی تفسیر کرد که تمام مقررات حقوق بین‌الملل مربوط به آن معنای کلی از رابطه میان دو دولت را در عهدنامه جای دهد.^۱ دیوان در رأی اخیر نیز مانند رأی قضیه برخی از اموال ایران بر این عقیده است که نمی‌توان تمام مقررات حقوق بین‌الملل را داخل در معاهده کرد و به این نکته نیز اشاره می‌کند که هر گونه اقدامی از سوی هر یک از طرفین که با تعهدات آنها طبق عهدنامه ناسازگار باشد، صرف نظر از طریقت آن ناسازگاری، غیرقانونی است. دیوان در آن رأی اعلام می‌کند که نقض حقوق هر یک از طرفین عهدنامه از طریق کاربرد زور به همان میزان نامشروع است که از طریق

1. Certain Iranian Assets, Separate opinion of Judge ad hoc Momtaz, para.9.

تصمیمات اداری و یا طریق دیگری نقض شود. دیوان در نهایت به این نتیجه می‌رسد که مسائل مربوط به استفاده از زور فی نفسه از حیطة عهدنامه استثناء نشده است.^۱

قاضی ویژه ایران، جمشید ممتاز، در نظر جداگانه خود با اشاره به یافته‌های دیوان در قسمت فوق، آن دو را در کنار پاراگراف ۵۲ رأی سکوه‌های نفتی قرار می‌دهد که آورده است: «ماده یک به طور کلی بیان می‌کند که باید صلح استوار و پایدار و دوستی صمیمانه‌ای میان طرفین برقرار باشد. روح و قصد متجلی در این ماده به کلیت عهدنامه معنا می‌دهد و در صورت وجود هرگونه ابهام، دیوان باید متمایل به گونه‌ای از تفسیر باشد که هماهنگی بیشتری با هدف کلی دستیابی به روابط دوستانه در مورد سایر فعالیت‌های تحت پوشش عهدنامه داشته باشد.»^۲ در نهایت، قاضی ممتاز این سوال مهم را مطرح می‌کند که چرا دیوان در قضیه برخی از اموال ایران متفاوت از قضیه سکوه‌های نفتی عمل می‌کند و ادعای ایران مبنی بر تأثیر منفی نقض مصونیت نهادهای دولتی بر حقوق مندرج در عهدنامه را مانند بحث استفاده از زور نمی‌داند.

برای تبیین ابعاد مختلف نکته فوق، باید دید آیا می‌توان از شیوه استدلال دیوان در قضیه سکوه‌های نفتی در قضیه برخی از اموال ایران استفاده کرد یا خیر؟

با دقت در رأی سکوه‌های نفتی و نتیجه‌گیری دیوان در مورد غیرقانونی بودن هر اقدام منجر به نقض تعهد در عهدنامه، می‌توان به نوعی از قیاس منطقی از نوع اقتراعی حملی در استدلال دیوان رسید.

صغری قضیه: استفاده از زور یکی از طرق نقض تعهدات عهدنامه مودت است.

کبری قضیه: کلیه طرق نقض تعهدات عهدنامه مودت غیرقانونی است.

نتیجه: استفاده از زور غیرقانونی است.

حال آیا می‌توان با استفاده از قیاس حقوقی (از نوع مستنبط العله) یا همان تمثیل منطقی حکم نامشروع بودن استفاده از زور به عنوان یکی از طرق نقض تعهدات مندرج در عهدنامه مودت را به موضوع نقض مصونیت دولت‌ها نیز تسری داد؟

به این صورت که:

1. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objection, Summary of the Judgment, 12 December 1996, p.111.
2. See: *Ibid*, Judgment, para. 52.

موضوع: استفاده از زور	حکم: نامشروع	علت حکم: نقض
تعهدات مندرج در عهدنامه مودت		
موضوع: نقض مصونیت دولتها	حکم:؟	علت حکم: نقض
تعهدات مندرج در عهدنامه مودت		

برای پاسخ، لازم است در ابتدا نقض مصونیت دولتها به عنوان یکی از طرق نقض تعهدات مندرج در عهدنامه مودت ثابت شود. در ابتدا باید این نکته را متذکر شد که تفاوت نظر دیوان در قضیه سکوه‌های نفتی و برخی از اموال ایران آن است که دیوان در قضیه نخست کاربرد زور را مانع اجرای برخی از تعهدات مندرج در عهدنامه می‌داند؛ اما در قضیه حاضر رابطه‌ای میان نقض مصونیت دولتها و نقض حقوق طرفین طبق عهدنامه نمی‌یابد. لذا گرچه از لحاظ ساختاری، قیاس حقوقی مستنبط‌العله مذکور در بالا منطقی به نظر می‌رسد، با توجه به متفاوت بودن فرضیه دیوان - عدم همخوانی قاعده مصونیت دولت با موضوع، هدف و سیاق کلی مواد عهدنامه - علت حکم، یکسان بوده و لذا نمی‌توان حکم قضیه نخست را به قضیه دوم تسری داد.

با این حال، این مقاله بر آن است تا وجه استدلال نظرات مخالف رأی دیوان را از رهگذر روش‌های استدلال منطقی و حقوقی تبیین نموده، بسط دهد و از این طریق علت حکم مشابه را برای نقض مصونیت دولتها ثابت نماید؛ لذا در این مسیر به استدلالات ایران و قضات مخالف اشاره خواهد شد.

ایران در دادخواست خود اینگونه استدلال نمود که در متن عهدنامه موادی وجود دارد که ضرورتاً برای اجرای آنها و رعایت حقوق طرفین و همچنین حرکت در راستای موضوع و هدف عهدنامه، لازم است تا قاعده مصونیت به عنوان یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی رعایت شود. قاضی Gevorgian از جمله چهار قاضی مخالف با ایراد دوم آمریکا، نیز با این استدلال هم‌سو است.

از نظر قاضی Gevorgian، گرچه هیچ‌یک از مواد عهدنامه مشخصاً به مسئله مصونیت دولت خارجی از جمله مصونیت‌های مرتبط با بانک‌های مرکزی، اشاره نمی‌کند، ایران در رابطه با حقوق ماهوی متعددی که تحت حمایت عهدنامه قرار گرفته‌اند، به آن مصونیت‌ها استناد کرده

است. وی معتقد است نکته مذکور، یکی از وجوه افتراق رأی دیوان در قضیه حاضر با قضیه مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری است.^۱

به عبارت دیگر، تمرکز عهدنامه بر حقوق ماهوی مشخص هریک از طرفین نسبت به طرف دیگر و رعایت آنها، خود نیازمند مقدمه‌ای به نام رعایت قاعده مصونیت دولت‌هاست. از جمله حقوق ماهوی مد نظر ایران، بند یک ماده ۱۰ عهدنامه در مورد آزادی تجارت و دریانوردی میان طرفین عهدنامه است. دیوان پیش‌تر در قضیه سکوه‌های نفتی، حدود و ثغور مفهوم «تجارت» و ابعاد مختلف برقراری «آزادی تجارت» را مشخص کرده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

دیوان در قضیه سکوه‌های نفتی اعلام کرد که کلمه «تجارت» چه در معنای متداول آن و چه در معنای حقوقی، در سطح داخلی یا بین‌المللی، معنای وسیع‌تری نسبت به خرید و فروش صرف دارد. دیوان با اشاره به معاهدات مربوط به بازرگانی و تجارت، بیان می‌کند که این دست از معاهدات طیف گسترده‌ای از امور تبعی به بازرگانی و تجارت، مانند کشتیرانی، ترانزیت کالا و اشخاص، حق تأسیس و اداره کسب و کار، محافظت در برابر مزاحمت، آزادی ارتباط، خرید و تصرف اموال را شامل می‌شوند و خاطر نشان می‌کند که در عهدنامه مودت نیز مجموعه وسیعی از امور تبعی برای بازرگانی و تجارت مورد بررسی قرار گرفته است.^۲

ایران در دادخواست خود با اشاره به قوانین مصوب و آرای صادره از سوی محاکم آمریکا ادعا می‌کند که رفتار کنونی آن دولت با ایران، بانک مرکزی و دیگر شرکت‌های ایرانی، از جمله نهادهای مالی و اموال آنها، تا حد زیادی حقوق ایران را در مورد آزادی تجارت بین دو سرزمین ایران و آمریکا، مختل می‌کند؛ در ادامه، اشکال مختلف نقض حقوق خود را طبق بند ۱ ماده ۱۰، توسط آمریکا برمی‌شمرد و بیان می‌کند نقض قاعده مصونیت تأثیرات منفی بالفعل و بالقوه‌ای را بر آزادی تجارت به همراه داشته است. به عنوان مثال، بانک مرکزی نمی‌تواند در ایالات متحده آمریکا فعالیت کند تا بتواند پرداخت‌های ناشی از اقدامات تجاری بین دو کشور را پردازش نماید؛ لذا از ارائه زیرساخت‌هایی که تجارت به آن وابسته است، منع می‌شود.^۳

1. Certain Iranian Assets, Separate opinion of Judge Gevorgian, para.3.

2. See: Oil platforms, Judgment, para 45-49.

3. See: Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Memorial of the Islamic Republic of Iran, 1 February 2017, para 6-19- 6-20.

در مقابل، آمریکا بیان می‌کند گرچه ایران در دادخواست خود با استناد به نظریهٔ مصونیت محدود دولت در حقوق بین‌الملل، میان اعمال حاکمیتی و اعمال خصوصی و تجاری یک دولت تفاوت می‌گذارد؛ با وجود این، از توضیح این امر که چگونه می‌توان مفاد یک معاهدهٔ تجاری در مورد آزادی تجارت میان دو طرف معاهده را به گونه‌ای فهم نمود که منجر به ایجاد تعهداتی برای طرفین گردد که طی آن تعهدات، حمایت‌های مصونیت دولتی درقبال اعمال حاکمیتی توسط طرفین فراهم شود، ناتوان است. به نظر آمریکا معمولاً از حمایت‌هایی از این دست، نمی‌توان به این استنباط رسید که شامل «فعالیت‌های کاملاً مرتبط با تجارت» هستند.^۱

در نهایت، دیوان پس از اشاره به مفهوم و حدود و ثغور «آزادی تجارت» به این نتیجه می‌رسد که حتی در معنای موسع، آزادی تجارت نمی‌تواند موضوعاتی را که هیچ ارتباطی با روابط تجاری دولت‌های عضو عهدنامه ندارند یا ارتباط بسیار ضعیفی با آن موضوعات دارند، پوشش دهد. لذا دیوان به این اقتناع ذهنی نمی‌رسد که نقض مصونیت ناشی از حاکمیت یا اعمال حاکمیتی می‌تواند مانع آزادی تجارت شود؛ چرا که از لحاظ مفهومی مربوط به فعالیت‌هایی از نوع دیگر هستند.^۲ با این حال، قاضی ممتاز و قاضی Gevorgian در نظرات جداگانهٔ خود وجود رابطه میان اعمال حاکمیتی نهادهای دولتی و اعمال تجاری را در قضیهٔ حاضر، محرز می‌دانند.

قاضی ممتاز در نظر جداگانهٔ خود بیان می‌کند:

«مطابق با اساسنامه بانک مرکزی، این نهاد ناظر و تنظیم‌کنندهٔ سیستم پولی، اعم از داخلی و بین‌المللی، و سیاست پولی ایران است. به عنوان مرجع نظارتی سیستم پولی و اعتباری، طیف وسیعی از کارکردهای متفاوت را که مستقیماً مرتبط با تجارت است انجام می‌دهد؛ تجارتي که توسط مفاد عهدنامهٔ مودت، ترویج و پشتیبانی می‌شود. به عنوان مثال، طبق اساسنامه نهاد مذکور، اعمال کنترل بر هرگونه معاملات مربوط به طلا، ارزهای خارجی و دارایی‌های بانکی بر عهدهٔ بانک مرکزی است. به علاوه وظیفهٔ بانک مرکزی است تا تأمین‌داری‌های نقدی مورد نیاز شرکت‌ها و اتباع ایرانی، برای سرمایه‌گذاری، صادرات و واردات را تضمین کند. مهم‌تر از همه، در جریان یک دورهٔ بحرانی، مانند وضعیت فعلی ایران، بانک‌ها برای کمک به اتباع و کسب و کارها در راستای انجام فعالیت‌های تجاری خود، برای منابع به بانک مرکزی روی

1. Certain Iranian Assets, Preliminary objections, para 8.34.

2. Certain Iranian Assets, Preliminary objections Judgment, para 78-79.

می‌آورند. این وظیفه اساسی بانک مرکزی است تا بتواند پول مورد نیاز برای تجارت و روابط بازرگانی را وام بدهد. در نتیجه رعایت تعهدات بین‌المللی مربوط به فعالیت‌ها و دارایی‌های یک بانک مرکزی (اعمال حاکمیتی)، و همچنین رعایت مصونیت‌های مربوط به آن نهاد، توسط طرفین عهدنامه در واقع پیش شرط لازم برای حمایت از حقوق و تعهدات خاص پیش‌بینی شده در عهدنامه است. به بیان دیگر، نقض مصونیت اجرایی در مورد بانک مرکزی به علت اقدامات ایالات متحده آمریکا، مانع اصلی اجرای عهدنامه و جریان مستمر تجارت میان طرفین عهدنامه است.^۱

قاضی Gevorgian نیز با اشاره به نقش اساسی بانک مرکزی ایران در انعقاد مؤثر معاملات تجاری شرکت‌های ایرانی در آمریکا، معتقد است که مجموعه‌ای از اقدامات مشخص علیه ایران و شرکت‌های دولتی ایرانی منجر به نقض حقوق ایران طبق بند یک ماده ۱۰ عهدنامه شده است که در واقع نتیجه محدود کردن مصونیت‌های ایران می‌باشد؛ لذا محدود کردن صلاحیت دیوان در رابطه با بند یک ماده ۱۰ عهدنامه، چنان‌که در رأی فعلی انجام شده، فاقد توجیه است.^۲

یکی دیگر از حقوق ماهوی مهمی که بسیار مورد بحث طرفین و مذاکره قضات مخالف رأی دیوان قرار گرفته است، مفاد بند ۴ ماده ۱۱ عهدنامه مودت است:

«هیچ‌یک از مؤسسات طرفین معظمین متعاهدین از جمله شرکت‌ها و هیأت‌ها و نمایندگی‌ها و بنگاه‌ها و عوامل دولت که متعلق به دولت یا تحت نظردولت باشد، در صورتی که در قلمرو طرف معظم متعاهد دیگر به کار بازرگانی یا صنعتی یا کشتیرانی یا سایر فعالیت‌های تجاری اشتغال یابد، حق نخواهد داشت در موارد ذیل چه برای خود چه برای اموال خود ادعای مصونیت کند یا از مصونیت بهره‌مند شود. مصونیت از مالیات در قلمرو مزبور یا تعقیب یا اجرای احکام قضایی یا سایر تعهدات و مسئولیت‌های مؤسسات خصوصی آن کشور که متعلق به اشخاص یا تحت نظارت اشخاص باشد.»

ایران با توسل به دلالت التزامی به مفهوم مخالف عبارات بند ۴ ماده ۱۱ استناد کرده و بیان می‌کند: هدف عهدنامه از تأکید بر عدم مصونیت نهادهای دولتی مشغول به فعالیت‌های بازرگانی و تجاری این است که آن نهادها از مصونیت به عنوان یک امتیاز رقابتی در برابر نهادهای خصوصی استفاده نکنند. پس هیچ‌گونه مانعی برای رعایت قاعده مصونیت در قبال نهادهای دولتی

1. Momtaz, Op.cit. para 12.

2. Gevorgian, Op.cit., para 12.

در مورد اعمال حاکمیتی آنها در سرزمین دولت دیگر وجود ندارد.^۱ به عبارت دیگر، مفهوم مخالف بند مذکور آن است که شرکت‌ها، هیئت‌ها، نمایندگی‌ها، بنگاه‌ها و عوامل دولت که متعلق به دولت یا تحت نظر دولت باشند، در صورتی که در قلمرو طرف دیگر عهدنامه به کار بازرگانی یا صنعتی یا کشتیرانی یا سایر فعالیت‌های تجاری اشتغال نداشته باشند، در صورت تعقیب یا اجرای احکام قضایی از مصونیت بهره‌مند هستند.

دیوان همسو با نظر آمریکا، بیان می‌کند که مفهوم مخالف ادعایی ایران فراتر از آن چیزی است که عهدنامه به دنبال آن بوده است و با توجه به موضوع و هدف معاهده، نمی‌توان آن مفهوم را از بند ۴ ماده ۱۱ استنباط کرد. دیوان معتقد است که اشاره صریح این ماده به عدم مصونیت نهادهای دولتی درگیر در فعالیت‌های تجاری به این علت بوده که با توجه به موضوع و هدف عهدنامه، ماده مذکور مرتبط با فعالیت‌های اقتصادی و در پی رقابت منصفانه میان بازیگران اقتصادی بازار بوده است. لذا به نظر دیوان، اقدامات حاکمیتی دولت‌ها اصلاً جایگاهی در این ماده ندارد تا بتوان از قاعده مصونیت در مورد آنها سخن گفت.^۲

برخلاف نظر دیوان، به نظر می‌رسد عدم اشاره مستقیم به قاعده مصونیت برای اعمال حاکمیتی نهادهای دولتی در متن عهدنامه، به این معنا نیست که طرفین از حکومت این قاعده بر عهدنامه چشم‌پوشی کرده‌اند؛ بلکه اتفاقاً از آن نظر که فرضیه اولیه آن است که قاعده مصونیت برای اقدامات حاکمیتی اصلی ضروری است، لذا از ذکر دوباره این قاعده عرفی خودداری شده و فقط مورد استثنا یعنی عدم مصونیت نهاد دولتی مشغول به فعالیت تجاری ذکر شده است.

آمریکا برای تقویت استدلال خود مبنی بر عدم دریافت مفهوم مخالف از بند ۴ ماده ۱۱ به کارهای مقدماتی و مذاکرات پیش از امضای عهدنامه استناد می‌کند. آمریکا معتقد است در مذاکرات مذکور هیچ بحثی در مورد مصونیت دولت‌ها تحت حقوق بین‌الملل میان طرفین صورت نگرفته است.^۳ حال آیا از سکوت طرفین در مورد قاعده مصونیت، در زمان مذاکرات عهدنامه، می‌توان نتیجه مورد نظر آمریکا را استنباط کرد؟

1. Certain Iranian Assets, Iran's Memorial, para 5.8- 5.9.

2. Certain Iranian Assets, Summary, p.4.

3. Certain Iranian Assets, Preliminary Objection, para 8.12.

با مقایسه استدلال آمریکا با وضعیت موجود در قضیه مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری باید گفت، در قضیه اخیر مشخصاً عدم شمول قاعده مصونیت در متن کنوانسیون مورد بحث قرار گرفته بود و دولت‌ها با دو پیشنهاد ارائه شده در این خصوص مخالفت کرده بودند؛ در مقابل در قضیه حاضر با سکوت طرفین مواجه هستیم.

گویی آمریکا به نوعی به «برهان سکوت»^۱ تمسک جسته است تا به نتیجه فوق برسد. برهان سکوت به استدلالی اطلاق می‌شود که بر سکوت یا فقدان شاهد مخالف استوار شده است. در این برهان، از عدم اشاره یک منبع به موضوع یا واقعه‌ای خاص چنین نتیجه‌گیری می‌شود که آن واقعیت فرضی صحت ندارد یا آنکه موضوع مورد نظر اتفاق نیفتاده است.^۲ برهان سکوت در روش قیاس، ذیل مغالطات طبقه‌بندی می‌شود.^۳ لذا نمی‌توان برای استدلال منطقی از آن بهره جست. با این توضیحات، نمی‌توان از عدم اشاره به بحث مصونیت دولت در کارها و مذاکرات مقدماتی به این نتیجه رسید که قصد طرفین عهدنامه بر عدم حکومت قاعده مصونیت بر روابط میان دو دولت در رابطه با تعهدات عهدنامه بوده است.

به علاوه با مطالعه دقیق بند ۴ ماده ۱۱ و قرار دادن آن در کنار مواد دیگر عهدنامه، از جمله بند یک ماده ۱۰ و خوانش این مواد در بستر موضوع و هدف عهدنامه، می‌توان به این نکته رسید که فعالیت‌های حاکمیتی نهادهای دولتی طرفین و همچنین بانک مرکزی آنها، به عنوان یک نهاد با ماهیت خاص و دارای شخصیت حقوقی مستقل از دولت که برای جریان صحیح تجارت ضروری هستند، داخل در محدوده عهدنامه قرار گرفته و هم‌زمان از مصونیت ناشی از اعمال حاکمیتی نیز برخوردارند.

قاضی رایبسون پس از ذکر هدف عهدنامه در نظریه جداگانه خود اینگونه استدلال می‌کند: مصونیت شرکت‌های دولتی که مشغول فعالیت‌های حاکمیتی و دولتی هستند، به همان اندازه برای دستیابی به هدف عهدنامه ضروری و با اهمیت است که عدم مصونیت نهادهای دولتی

1. argument from silence (argumentum e silentio).

2. See: McGrew, T. "The Argument from Silence", Acta Anal, 2014, https://link.springer.com/article/10.1007%2Fs12136-013-0205_5#citeas (last visited on 23/02/2020).

۳. نک: آبادیان، حسین، *موازنه‌ی شرع و عرف در نظام حقوقی ایران دوره‌ی قاجار، مطالعات تاریخ اسلام*، مطالعات تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۷، ص ۳۴.

درگیر در فعالیتهای تجاری. یک نهاد دولتی مانند بانک مرکزی یکی از طرفین مجبور است در قلمرو طرف دیگر برای اجرای قانونی وظایف خود، مجموعه‌ای از فعالیتهای حاکمیتی و دولتی را انجام دهد. این فعالیتهای به اندازه‌ی فعالیتهای یک شرکت خصوصی برای تحقق هدف و موضوع عهدنامه حیاتی است.^۱

با عنایت به مطالب فوق، می‌توان به دو پرسش ابتدایی در خصوص شباهت میان یافته‌های قضیه «برخی از اموال ایران» و دو رای «مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری» و «سکوهای نفتی» پاسخ داد.

برخلاف کنوانسیون پالرمو که به عنوان مبنای صلاحیت دیوان در رسیدگی به قضیه مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری مورد استناد قرار گرفته بود، موضوع و هدف عهدنامه مودت ایجاب می‌نماید که طرفین برای تشویق فعالیتهای اقتصادی و تجاری، از هر عملی که موجب تضعیف آن هدف می‌شود، خودداری نمایند. بدون شک بانک مرکزی به عنوان حافظ و تنظیم‌کننده سیستم پولی و ارزی یک کشور در صحنه داخلی و بین‌المللی نقش کلیدی در اعمال قدرت پولی یک کشور ایفا می‌کند. به علاوه، سیر کلی اعمال دولت‌ها به سمت حمایت بیشتر از دارایی‌های بانک مرکزی خارجی است. برای مثال، می‌توان به تاریخ مذاکرات کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آنها اشاره کرد؛ توجه به مواد ۱۹ و ۲۱ کنوانسیون نشان از توافق گسترده بر حمایت از برخی از دارایی‌های بانک مرکزی دارد و می‌توان فهمید که کنوانسیون در نهایت مصونیت مطلق را برای اموال بانک مرکزی فراهم می‌کند که در واقع نشان‌دهنده بخشی از روند جهانی به سمت حمایت بیشتر از مصونیت است.^۲

علاوه بر تفاوت میان موضوع و هدف کنوانسیون پالرمو و عهدنامه مودت، مسئله دیگر تفاوت میان مذاکرات و کارهای مقدماتی در دو سند است. در مذاکرات منتهی به کنوانسیون پالرمو، مشخصاً در مورد عدم ذکر قاعده مصونیت دولت‌ها در مواد کنوانسیون بحث و توافق نظر صورت گرفته بود. اما در مذاکرات مربوط به عهدنامه مودت با چنین وضعیتی مواجه نیستیم. توسل

1. Certain Iranian Assets, Separate opinion of Judge Robinson, para 11.

2. See: Wuerth, I. "Immunity from Execution of Central Bank Assets", *The Cambridge Handbook of Immunities and International Law* (Tom Ruys, Nicolas Angelet, Luca Ferro, eds.), 2018, pp 18-24.

آمریکا به برهان سکوت را نیز نمی‌توان پذیرفت تا از عدم اشاره به قاعده مصونیت دولت، قصد طرفین مبنی بر عدم توجه به آن قاعده را در عهدنامه نتیجه گرفت.

تفاوت سوم میان دو قضیه فوق‌الذکر، تفاوت میان حقوق ماهوی مذکور در متن کنوانسیون و عهدنامه است. برخلاف کنوانسیون پالرمو، در متن عهدنامه تعهداتی برای طرفین معین شده است که اجرای آنها برای رسیدن به هدف عهدنامه، مستلزم توجه به قاعده مصونیت دولت‌هاست، از جمله مفاد مواد ۱-۱۰ و ۴-۱۱ که در بالا به تفصیل بحث شد.

با توجه به مقدمات فوق، برخلاف نظر دیوان در پاراگراف ۵۷ رای صادره، نمی‌توان با توسل به قیاس حقوقی، حکم مربوط به قضیه مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری را به موضوع قضیه برخی از اموال ایران تسری داد و از این طریق قاعده مصونیت دولت را قابل اعمال در محدوده عهدنامه مودت ندانست.

در قضیه سکوهایی نفتی، دیوان بیان می‌کند که نقض حقوق هر یک از طرفین عهدنامه از طریق کاربرد زور به همان میزان نامشروع است که از طریق تصمیمات اداری و یا طریق دیگری این نقض صورت پذیرد. دیوان به این ترتیب منع استفاده از زور را خارج از محدوده عهدنامه تشخیص نمی‌دهد و اعلام می‌نماید که کاربرد زور از جمله موانع اجرای موضوع و هدف عهدنامه و از طرق نقض آن است. با فرض این مقدمه و همچنین توضیحات مربوط به رابطه نزدیک میان مصونیت بانک مرکزی و موضوع و هدف عهدنامه که پیش‌تر بدان اشاره شد، باید گفت که نقض قاعده مصونیت دولت یکی از طرق نقض تعهد بوده و می‌تواند در جریان تجارت مشکلاتی را ایجاد نماید. لذا می‌توان با توسل به قیاس مستنبط‌العله و وحدت ملاک میان دو قضیه سکوهایی نفتی و برخی از اموال ایران، حکم نامشروع بودن^۱ نقض مصونیت دولت‌ها طبق عهدنامه مودت را نتیجه گرفت.

1. Illegality

نتیجه‌گیری

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی خود به ایرادات مقدماتی آمریکا در قضیه «برخی از اموال ایران» رد صلاحیت خود نسبت به ادعاهای مبتنی بر قاعده مصونیت دولت‌ها، مباحث گسترده‌ای را در حوزه تعهدات و حقوق مبتنی بر این قاعده ایجاد نمود.^۱

دیوان برای تقویت استدلال خود مبنی بر عدم ارتباط میان قاعده مصونیت دولت و عهدنامه مودت، به تفسیر بر مبنای موضوع و هدف معاهده و همچنین آرای خود در قضایای مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری و سکوهایی نفتی توسل جست و بدین ترتیب قاعده حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت دولت را از شمول عهدنامه خارج و مصداق «حقوق بین‌الملل» مذکور در ماده ۲-۴ تشخیص نداد.

این مقاله برای پاسخ به پرسش ابتدایی مذکور در مقدمه که همان شباهت علت حکم در قضیه «مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری» و قضیه «برخی از اموال ایران» بود، پس از بررسی یافته‌های دیوان در مورد تفسیر مفاد ماده ۴ کنوانسیون پالرمو، به این نتیجه رسید که اساساً شرایط حاکم بر تفسیر این دو رأی با تفاوت‌هایی همراه است؛ از جمله تفاوت در موضوع و هدف، حقوق ماهوی مذکور در آنها و همچنین مذاکرات و کارهای مقدماتی منتج به متن نهایی. موضوع و هدف عهدنامه برخلاف کنوانسیون پالرمو به گونه‌ای است که رعایت قاعده مصونیت دولت، لازمه هموار بودن فعالیت تجاری است. از سوی دیگر، پیوند میان فعالیت‌های کلیدی بانک مرکزی به عنوان شخصیت حقوقی مستقل از دولت و با ماهیت خاص و برخی حقوق ماهوی مذکور در عهدنامه، از جمله حفظ جریان آزاد تجارت، موجب شده است تا شرایط دو قضیه مذکور با هم متفاوت باشد. به علاوه، برخلاف اشاره مستقیم در کارهای مقدماتی، به عدم ذکر قاعده مصونیت در کنوانسیون، در مذاکرات منتهی به عهدنامه با چنین سابقه‌ای مواجه نیستیم؛ لذا نمی‌توان از حکم قضیه مصونیت‌ها و تعقیبات کیفری برای قضیه مورد بحث استفاده کرد.

دیوان در قضیه سکوهایی نفتی نیز با توسل به صورت صحیحی از قیاس منطقی، با تفسیر موضوع و هدف معاهده و همچنین سیاق کلی عبارات، حکم نامشروع بودن استفاده از زور را به

1. See: Chachko, E, Certain Iranian Assets: The International Court of Justice Splits the Difference Between the United States and Iran, 2019, available at: <https://www.lawfareblog.com/certain-iranian-assets-international-court-justice-splits-difference-between-united-states-and-iran> (last visited: 20/10/2019).

عنوان نتیجه به اثبات رسانده است؛ این مقاله برای پاسخ به پرسش دوم خود به دنبال این نکته بود که آیا می‌توان از نتیجه اثبات شده در قضیه سکوه‌های نفتی برای یافتن حکم موضوع «نقض مصونیت دولت‌ها» استفاده نمود؟ با تمسک به طریق استدلال تمثیل منطقی، پاسخ این پرسش مثبت خواهد بود؛ توضیح آنکه در قضیه سکوه‌های نفتی، مشخص شد که علت نامشروع بودن (حکم) استفاده از زور (موضوع) همانا، نقض تعهدات مندرج در عهدنامه است. از سوی دیگر، در قضیه برخی از اموال ایران، موضوع که «نقض مصونیت دولت‌ها» باشد، معلوم است. ضمناً با توجه به حقوق ماهوی مذکور در مواد ۴-۱۱ و ۱-۱۰، نقض مصونیت دولت‌ها به منزله نقض تعهدات مندرج در عهدنامه مودت می‌باشد؛ به عبارت دیگر، با مذاقه در مواد مذکور، می‌توان استنباط نمود که نقض مصونیت دولت‌ها نیز به نوعی نقض تعهدات مندرج در عهدنامه مودت است و از این حیث واجد وجه شبه و علت مشترک با مقوله استفاده از زور می‌باشد. حال که علت حکم در هر دو قضیه واحد است، با توسل به تمثیل منطقی (قیاس حقوقی) می‌توان حکم نامشروع بودن استفاده از زور را به موضوع «نقض مصونیت دولت‌ها» نیز تسری داد و این اقدام را از اساس نامشروع قلمداد نمود و بدین ترتیب صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به ادعاهای ایران مبتنی بر قاعده مصونیت دولت احراز کرد. حتی شاید بتوان قیاس مزبور را در قالب قیاس اولویت نیز توجیه کرد و نقض تعهدات مندرج در عهدنامه را از پی نقض مصونیت دولت‌ها، اشد از حالتی دانست که تعهدات مزبور در نتیجه کاربرد زور نقض می‌شوند. ماحصل کلام آنکه نگاه به قضیه «برخی از اموال ایران» و استدلال‌ات رد و بدل شده در آن، از منظر روش‌های استدلالی، می‌تواند دریچه جدیدی را در حقوق بین‌الملل و آرای قضایی موجود در آن باز نماید.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

مقاله

۱. آبادیان، حسین، موازنه شرع و عرف در نظام حقوقی ایران دوره قاجار، مطالعات تاریخ اسلام، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۷.
۲. کرمزاده، سیامک، صدور و اجرای آرای دادگاه‌های امریکا علیه اموال بانک مرکزی ایران از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق امریکا، مطالعات حقوق تطبیقی، بهار و تابستان ۱۳۹۷، دوره ۹، شماره ۱.

ب) منابع انگلیسی

Articles

3. Curran, V. "The Foreign Sovereign Immunities Act's Evolving Genocide Exception", *UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs*, 2019.
4. Wuerth, I., "Immunity from Execution of Central Bank Assets", *the Cambridge Handbook of Immunities and International Law* (Tom Ruys, Nicolas Angelet, Luca Ferro, eds.), 2018.

Instruments and Judgments

5. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary objections, Summary of the Judgment, 13 February 2019.
6. Certain Iranian Assets (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary objections, Judgment, 13 February 2019.
7. Certain Iranian Assets, Separate opinion of Judge ad hoc Momtaz.
8. Certain Iranian Assets, Separate opinion of Judge Gevorgian.
9. Certain Iranian Assets, Separate opinion of Judge Robinson.
10. Deborah Peterson, et al. v. Islamic Republic of Iran, et al. (Civil Action Nos. 01-2094 (RCL), 01-2684(RCL)) (Dist. Court, Dist. of Columbia 2007).
11. Executive Order 13599. Blocking Property of the Government of Iran and Iranian Financial Institutions, Executive Office of the President, Feb 5, 2012.

12. Immunities and Criminal Proceedings (Equatorial Guinea v. France), Preliminary Objections, Summary of the Judgment, 6 June 2018.
13. International Court of Justice (ICJ), Certain Iranian Assets (Iran v. United States), Application Instituting Proceedings, 14 June 2016.
14. International Law - Foreign Sovereign Immunities Act - D.C. Circuit Holds That an International Agreement Bars Former Hostages' Suit against Iran, Despite Legislation Aimed at Aiding the Suit. - Roeder v. Islamic Republic of Iran, 333 F.3d 228 (D.C. Cir. 2003). Harvard Law Review, 2003, no. 2.
15. Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), Preliminary Objection, Summary of the Judgment, 12 December 1996.

Websites

16. Chachko, E. Certain Iranian Assets: The International Court of Justice Splits the Difference Between the United States and Iran, 2019, available at: <https://www.lawfareblog.com/certain-iranian-assets-international-court-justice-splits-difference-between-united-states-and-iran> (last visited: 20/10/2019).
17. McGrew, T. "The Argument from Silence", Acta Anal, 2014, https://link.springer.com/article/10.1007%2Fs12136-013-0205_5#citeas (last visited on 23/02/2020).
18. U.S. Code § 1605. General exceptions to the jurisdictional immunity of a foreign state, available at: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/28/1605>, (last visited on 20/10/2019).
19. U.S. Code § 1605A. Terrorism exception to the jurisdictional immunity of a foreign state, available at: <https://www.law.cornell.edu/uscode/text/28/1605A>, (last visited on 20/10/2019).